

بررسی انتقادی دو ترجمه انگلیسی نهج البلاغه بر مبنای سیستم تحریف متن: با تکیه بر کنایات

لیلا نیک نسب* / انسیه عسگری** / امیره نیک نام پیرزاده***
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

چکیده

این پژوهش به تحلیل دو ترجمه انگلیسی از نهج البلاغه بر اساس مدل نقد ترجمه آنتوان برمن (۲۰۱۰) می‌پردازد. نهج البلاغه به عنوان متنی دینی-ادبی، با کلام شیوا و صنایع ادبی غنی، نیازمند نقد ترجمه بر اساس مدل‌های ادبی است. برمن با رویکرد مبدأمحور، دوازده گرایش ریخت‌شکنانه را معرفی می‌کند که برخی اجباری و ناشی از ساختار زبان مقصد هستند و در این پژوهش بررسی نمی‌شوند. تمرکز اصلی بر گرایش‌هایی است که مترجم با آزادی عمل، به سمت تحریف متن پیش می‌رود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، دو ترجمه انگلیسی از نهج البلاغه (فروتن و مرعشی، ۲۰۲۲؛ عسگری جعفری، ۱۹۹۹) را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد هر دو ترجمه دارای تحریف هستند، اما تحریف در ترجمه فروتن و مرعشی کمتر است و رویکرد مبدأمحورانه‌تری دارد. در مقابل، عسگری جعفری با اولویت دادن به انتقال معنا، رویکرد مقصدمحور را برگزیده و در اکثر موارد مخاطب‌محور عمل کرده است. این تفاوت نگرش، منجر به تمایز در میزان تحریف و وفاداری به متن اصلی شده است.

کلیدواژه‌ها:

سیستم تحریف متن، نقد ترجمه، نهج البلاغه، گرایش‌های ریخت‌شکنانه، راهکارهای ترجمه.

*. عضو هیأت علمی گروه زبانهای خارجی، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران. l.niknasab@hmu.ac.ir

** . عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران. (نویسنده مسؤل) e.asgari@hmu.ac.ir

***. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حدیث، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران. madin114114@gmail.com

۱. مقدمه

متون مذهبی در زمره متونی قرار دارد که برای مترجمین چالش‌های فراوانی به همراه خواهند داشت. مترجم باید بکوشد که علاوه بر انتقال درست معنا از دستکاری عمدی و سهوی بپرهیزد، از این روراهکارهای درست برای ترجمه این دسته از متون از حساسیت بالایی برخوردار است. استفاده از کنایه که یک ابزار ادبی فرهنگ-محور است، برای مترجمان چالش برانگیزتر از مشکلات معنایی یا نحوی در ترجمه می‌باشد. مترجمان باید معنای تلویحی را که این صنعت ادبی بر دوش می‌کشد، تا حد امکان به خوانندگان متن مقصد منتقل کنند و برای ترجمه آنها از زبان مبدا به مقصد راهکارهایی بیابند که آنچه نویسنده تعمداً بطور غیر صریح بیان کرده است به صراحت بازگو نشود و در عین حال معنای مستتر نیز به ذهن متبادر گردد. (هتیم و میسون^۱، ۱۹۹-۱۹۸: ۱۹۹۰)

یک ترجمه صحیح دارای شرایطی است که در مجموع باعث می‌شود به متن مبدا وفادار بماند. این وفاداری صرفاً از راه ترجمه لغت به لغت صورت نمی‌گیرد. گاهی لطیفی در زبان مبدا است که باید به درستی به زبان مقصد منتقل شود. به عنوان مثال در متن مبدا واژه‌ای به کار رفته که هدف آن ایراد معنای حزن و اندوه می‌باشد. در این صورت ترجمه این متن نیز باید همین معنا را به مخاطب جدید در زبان مقصد برساند تا بتواند از نوع ترجمه وفادار به متن محسوب گردد (معرفت، ۱۳۸۲: ۱۸۳). اگرچه کنایه جزو زیبایی‌های کلامی محسوب می‌شود ولی چند معنا بودن آن، کار ترجمه را سخت و چالش برانگیز کرده است. صفوی در کتاب خود مسئله چند معنایی زبان را بیان می‌کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۳). در تعامل با عباراتی چند معنایی همچون کنایات، مترجمان روش‌های گوناگونی را در پیش می‌گیرند. برخی جملات زبان مبدا همچون جملات کنایی، جدا از معنای صریح خود معنایی ضمنی در بردارند که مترجم یا باید در یک جمله هم معنای صریح و هم معنای ضمنی را بازگو کند که این امری بسیار مشکل است و یا اینکه فقط معنای صریح و یا معنای ضمنی را بیان کند که در این صورت ترجمه‌ای ناقص ارائه داده است (همان: ۶۶-۶۵).

۱.۱. بیان مساله

تعابیر کنایی در متون مختلف از جمله عناصری است که می‌تواند موجب فهم نادرست از مفاهیم و مضامین مورد نظر نویسنده باشد. در حقیقت ما با نظام دلالتی سر و کار داریم که با معنای ضمنی عمل

1. Hatim and Mason

می‌کند و مرزهای معنای متنی را گسترش می‌دهد (هتیم و میسون، ۱۹۸: ۱۹۹۰). خوانندگان یک متن از طریق توانش زبانی و ادبی خود به انتخاب گزینه‌های معنایی در یک متن می‌پردازند. بدین ترتیب داشتن انتخاب مناسب مستلزم فهم زبان تحت اللفظی و مجاز است. لازم به ذکر است که فهم عناصر فرهنگی و اجتماعی و مذهبی نیز به فهم مفاهیم کمک می‌کند. از نظر آنتوان برمن (۱۹۳: ۲۰۱۲) ترجمه متون ادبی فقط از طریق ترجمه ثانویه انجام می‌شود و ترجمه اول یک ترجمه غیرکامل نامیده می‌شود. برمن عنوان می‌کند که ترجمه کامل یعنی حرکت دادن ترجمه به سمت متن مبدا و بیان تعامل بین مترجم و زبان مبدا می‌باشد (گورکگلار^۱ ۲۰۰۹. به نقل از موسوی رضوی و طهماسبی بوبری، ۲۳: ۲۰۱۹). هیوسون^۲ (۱۲: ۲۰۱۱) در مورد رویکرد برمن به نقد ترجمه می‌گوید: «نشان دادن حقیقت ترجمه هدف نهایی است و برمن برخی ملاحظات نظری و روش شناختی را برای دستیابی به این هدف تعیین می‌کند». برمن معتقد است قبل از رفتن به سراغ متن مبدا، منتقد باید متن مقصد را دقیق بخواند در این صورت از تطبیق اجباری اجتناب می‌شود و مشخص می‌گردد که آیا ترجمه از معیارهای مورد نظر پیروی می‌کند یا خیر (همان).

در برخی از ترجمه‌های انگلیسی نهج البلاغه گاه دیده می‌شود که در عین تلاش مترجم در برگردان امانت‌دارانه کلام امام علیه السلام، قسمت‌هایی نامفهوم وجود دارد و پیامی را که گوینده کلام مدنظر داشته، به مخاطب به درستی، منتقل نشده است. چالشی که بر سر راه مترجمان وجود دارد این است که آیا باید انتقال مفاهیم و معنا را در اولویت قرار داد یا صورت کلام نیز دارای اهمیت است. از آنجا که نهج البلاغه متنی دینی-ادبی به شمار می‌رود و آکنده از صنایع ادبی بسیار زیبایی است که خود دریایی از مفاهیم را منتقل می‌کنند، نمی‌توان صرفاً به انتقال مفاهیم بسنده نمود و زیباشناسی کلام را نادیده انگاشت. بدین جهت در این تحقیق سعی شده است بر اساس یک مدل نقد ترجمه متون ادبی به بررسی دو مورد از ترجمه‌های شناخته شده پرداخته شود. نهج البلاغه در کنار مضامین والای دینی، از لحاظ ادبی اثری بی نظیر محسوب می‌شود. صنایع ادبی به کار رفته در این متن که بر غنای بلاغی آن افزوده، موجب دشواری ترجمه آن به زبان‌های دیگر شده است. یکی از قسمت های پیچیده کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، در باب انتقال پیام، عبارات کنایی نهج البلاغه می‌باشد. کلام

1. Gurcoglar
2. Hewson

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است و مترجم حتی الامکان بایستی ترجمه‌های برابر با متن ایشان ارائه دهد و در آراسته ماندن کلام بکوشد.

تحقیق حاضر با هدف پاسخ دادن به سوالات زیر انجام شد:

۱. این دو مترجم در برگردان کنایات به زبان انگلیسی مبدا محور عمل کرده اند یا مقصد محور؟ و کدام مورد از ترجمه‌های انگلیسی بر طبق این مدل موفق ارزیابی می‌شوند؟
۲. از میان گرایش‌های ریخت شکنانه برمن، کدام یک نقش بیشتری در تحریف متن مبدأ کنایات نهج البلاغه داشته اند؟

۲. پیشینه تحقیق

برخی از پژوهشگران حوزه ترجمه درباره تمایز دیدگاه‌های زبان مبدا-محور و دیدگاه‌های زبان مقصد-محور سخن می‌گویند که شیوه ترجمه بر اساس این دیدگاهها تعیین می‌شوند. به عنوان مثال شلایرماخر^۱ (۱۸۱۲) در توضیح این دو دیدگاه بیان می‌دارد که «گاهی مترجم نویسنده متن مبدا را مورد توجه قرار می‌دهد و خواننده را به سمت او سوق می‌دهد از طرف دیگر، گاهی خواننده در اولویت است، بنابراین نویسنده را باید به سوی خواننده حرکت داد.» برای شلایرماخر شیوه قابل قبول بیگانه سازی، رویکرد مبدا محور، می‌باشد زیرا معتقد است که شیوه بومی سازی در ترجمه، رویکرد مقصدگرا، نمی‌تواند متن اصلی را منتقل کند (به نقل از ماندی^۲، ۳۹: ۲۰۱۶). اگرچه بعد از شلایرماخر دیدگاه مبدا-محوری و مقصد-محوری توجه چندانی را به خود معطوف نداشت اما دهه‌ها بعد از آن، آنتوان برمن نظریه‌ای برای نقد ترجمه متون ادبی ارائه داد.

هاوس^۳ (۵۶-۵۵: ۲۰۱۵) نیز دو نوع الگوی ترجمه آشکار و نهان را معرفی می‌کند که همان ترجمه مبدا محور و مقصد محور هستند. وی معتقد است که نوع اول یعنی ترجمه آشکار برای متون ادبی، سخنرانی‌های سیاسی، وعظ و خطابه‌های دینی و موارد مشابه کاربرد دارد. این موارد بسیار به زبان، فرهنگ، و سنت و تاریخ یک کشور وابسته هستند. از طرف دیگر شیوه نهان در ترجمه که به نظر نمی‌رسد ترجمه باشد و گویا این متن به زبان مقصد نوشته شده است، مقصد محور است و از آن می‌توان برای ترجمه متون علمی، متون اقتصادی و مطبوعاتی و ... استفاده کرد.

1. Schleiermacher

2. Munday

3. House

۱.۲. مرور مطالعات پیشین

درباره نقد و بررسی ترجمه تعابیر کنایی در متون ادبی و مذهبی مختلف و مدل آنتوان برمن برای ارزیابی ترجمه وفادار پژوهش‌های فراوانی انجام شده که به برخی از موارد مهم و مرتبط با این تحقیق اشاره می‌شود:

- کاکاوندی، معصومی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی از دیدگاه «آنتوان برمن» چند مؤلفه ریخت شکنانه را در ترجمه‌های فارسی صفارزاده و انصاریان از سوره‌ی بقره مورد نقد قرار می‌دهند؛ آنها نتیجه‌گیری می‌کنند که نظریه مبدأگرایی «برمن»، بهترین مؤلفه‌ها برای نقد ترجمه متون دینی مانند قرآن کریم را ارائه می‌دهد. این نظریه بیان می‌کند که مترجم متون دینی باید به زبان مبدأ وفادار باشد و متن اصلی را با کمترین تحریف به زبان مقصد منتقل کند. عدم وفاداری می‌تواند منجر به ترجمه‌های نادرست شود و قداست متون را خدشه دار کند.

- در مقاله «بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن»، نتیجه‌گیری شده است که مؤلفه شفاف سازی در موارد بسیاری در ارزیابی ترجمه قرآن کارآمد است، اما به دلیل تنوع زبانی آیات قرآن، امکان داشتن نظر یکسان درباره شفاف سازی وجود ندارد. شفاف سازی در ترجمه قرآن به دو دسته اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود. توضیحات اجباری که حتی برمن هم به ضرورت آن اذعان می‌کند، در ترجمه قرآن باید رعایت شود و نمی‌توان آن را تغییر یا تحریف نامید. (نیازی و هاشمی، ۱۴۰۰)

- امرائی (۱۳۹۷) در پژوهش خود که به بررسی روش شناسی تعابیر کنایی قرآن در فرآیند ترجمه پرداخته است، نشان می‌دهد که حدادعادل در برگردان تعابیر کنایی روش یکنواختی ندارد، گاهی به سراغ ترجمه معنایی رفته و گاه معادل کنایی را آورده و گاه نیز به صورت تلفیقی معنایی-ارتباطی ترجمه کرده است؛ ولی بیشتر به سراغ ترجمه تحت اللفظی رفته است، تا جایی که ترجمه ایشان را از منظر برگردان تعابیر کنایی، میتوان ترجمه‌ای تحت اللفظی و متن محور دانست.

- فرهادی، الحسینی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود- «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)» - نتیجه‌گیری کردند که این اطناب و توضیحات خاصه در بخش مترادف‌ها به طور سلیقه‌ای در متن به کار رفته و کمکی به فهم متن نکرده‌اند. این توضیحات آهنگ موسیقایی و هماهنگی خاص زبان مبدأ



را نیز بهم زده و از زیبایی ترجمه کاسته است. در اکثر موارد هم یک امر ساده در ترجمه آشکارسازی شده که چندان ابهام زایی به شمار نمی‌رود و بهتر بود به همان شکل متن مبدا بیایند.

- دلشاد، مسبوق و همکاران (۱۳۹۴) توضیح می‌دهند که می‌توان ترجمه شهیدی را از جهت انتقال ساختار و محتوا به متن اصلی، ترجمه وفادار تلقی کرد. ترجمه وی از ارزشمندترین ترجمه‌های نهج البلاغه است که آرایه‌های لفظی و معنوی را به زیبایی به خدمت گرفته است. بر اساس چهار عامل تحریف متن، ترجمه شهیدی از نهج البلاغه از دیدگاه آنتوان برمن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه شهیدی به عنوان یک ترجمه مبدأگرا ست که کمتر از عوامل تحریف متن رنج می‌برد و در متون دینی، مبدأگرایی ضروری است.

جستجوی نگارندگان این مقاله حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی پیرامون نقد ترجمه کنایات نهج البلاغه بر اساس مدل برمن ارائه نشده است و در چند مورد صرفاً یک یا دو گرایش ریخت شکنانه مطرح شده در این نظریه ملاک بررسی قرار گرفته است و پژوهش حاضر از این حیث نخستین نمونه به شمار می‌رود.

۳. روش شناسی

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد به بررسی انتقادی دو ترجمه انگلیسی از نهج البلاغه بپردازد و بر طبق مدل نقد ترجمه آنتوان برمن، چند مورد از پربسامدترین گرایش‌های ریخت شکنانه موجود در دو ترجمه مورد نظر را بررسی کند. در این تحقیق از دو ترجمه انگلیسی بهروز فروتن و سید حسین مرعشی (۲۰۲۲) و سید محمد عسکری جعفری (۱۹۹۹) استفاده شده است. ترجمه فروتن و مرعشی به این علت انتخاب شده که از معاصرترین ترجمه‌ها می‌باشد و به گفته خود مترجم که با بیشتر ترجمه‌های انگلیسی قبلی آشنایی داشته، در آنها نقص‌هایی دیده و باعث شده به ترجمه نهج البلاغه به زبان انگلیسی بپردازد. ترجمه عسکری از قدیمی‌ترین ترجمه‌های انگلیسی نهج البلاغه است که در دسترس عموم می‌باشد. این نسخه چندین بار در سالهای مختلف به همراه شرح‌ها و تفسیرهایی مجزا تجدید چاپ شده است و در اینجا ویراست نهایی (۱۹۹۹) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مجموع ۸۴ مورد کنایه از نامه‌ها و خطبه‌ها بطور تصادفی استخراج گردید و با متن مبدا مقابله و مثالهای مرتبط برای هر یک از گرایش‌های ریخت شکنانه ارائه شد و به منظور پیدا کردن پاسخ برای پرسش‌های مطرح شده در این پژوهش تمام مثالها به دقت بررسی و تحلیل گردید.

در پایان فراوانی هر یک از تحریف‌ها در هر یک از ترجمه‌ها با شکل و نمودار بیان شد.

۱.۳. روش تحقیق

برمن (۲۰۱۲: ۱۹۳) دوازده دسته از گرایش‌های ریخت‌شکنا را شرح می‌دهد که در واقع

تحریف متن مبدا به شمار می‌رود و به شرح زیر است:

۱. منطقی سازی^۱

منطقی سازی به ایجاد تغییر در نحو متن مبدا اشاره دارد. در این نوع ترکیب و توالی و چینش جملات دستخوش تغییر خواهند شد. ادغام کردن جملات کوتاه، شکستن جملات بلند، تغییر در علائم نگارشی در این مقوله جای می‌گیرند (برمن، ۲۰۱۲: ۲۸۸).

۲. شفاف سازی^۲

شفاف سازی به موازات منطقی سازی صورت می‌گیرد و نتیجه فرعی آن است. این تحریف معمولاً در سطح کلمات و معنا اتفاق می‌افتد، مترجم ترجیح می‌دهد که معنای غیر صریح و مستتر متن مبدا را به صراحت در ترجمه بیان کند (معاذاللهی، ۳۶: ۲۰۱۳). مترجم با افزودن کلمات و توضیحاتی به متن دست به روشن ساختن متن می‌زند. لازم به ذکر است که برمن خود نیز شفاف سازی در کار ترجمه را در مواردی اجتناب ناپذیر می‌داند اما مخالف این عمل است که مترجم موارد چند معنایی را به تک معنایی تبدیل کند و توضیحاتی بیفزاید که مولف نمی‌خواسته در متن اصلی به صراحت بیان شود (مهدی پور، ۱۳۸۹. به نقل از افضلی و داتوبور، ۱۳۹۶: ۷۷).

۳. اطناب کلام^۳

از این نوع تحریف معمولاً با عنوان «بیش ترجمه» یاد می‌شود. مترجم ایده فشرده متن مبدا را باز می‌کند و این افزودن بر غنای متن نخواهد افزود و صرفاً حجم متن افزایش می‌یابد و موجب اطناب کلام می‌گردد. (همان)

۴. آراسته سازی^۴

معاذاللهی (۲۰۱۳: ۳۷) آراسته سازی را به صورت جایگزینی معنای اولیه متن مبدا با کلمات متن

1. Rationalization
2. Clarification
3. Expansion
4. Ennoblement



مقصد معرفی می‌کند به نحوی که صورت و فرم متن مبدا دچار تحریف شود. در این نوع از گرایش مترجم متن را به گونه‌ای ترجمه می‌کند که کلمات و ساختار به مراتب فاخرتر از متن مبدا به نظر می‌رسد.

۵. غنازدایی کیفی^۱

این نوع تحریف زمانی رخ می‌دهد که اصطلاحات و عبارات متن مبدا با اصطلاحات و عباراتی از متن مقصد جایگزین می‌شود که از غنای زبان مبدا برخوردار نیست. در حقیقت این تحریف نقطه مقابل آراسته‌سازی است (معاذاللهی، ۳۸: ۲۰۱۳). در این موارد ترجمه در متن مقصد به گونه‌ای است که از لحاظ آوایی و معنایی به اندازه متن مبدا زیبا و آراسته نخواهد بود. این تحریف از دشوارترین مسائل موجود در ترجمه است زیرا در هر زبانی کلمات و بازیه‌های کلامی خاصی، با بار معنایی و تصویرسازی خاص همان زبان وجود دارد و برگرداندن آنها به زبانی دیگر غالباً دشوار است (مهدی پور، ۱۳۸۹ به نقل از افضلی و داتوبر ۸۰-۸۱: ۱۳۹۶).

۶. غنازدایی کمی^۲

غنازدایی کمی به معنای کاهش تعداد واژگان متن مقصد در مقایسه با متن مبدا در ترجمه است. به عنوان مثال مترجم تمام کلماتی را که در یک پاراگراف با هم مترادف هستند فقط با یک کلمه در متن مقصد جایگزین می‌کند (معاذاللهی، ۳۸: ۲۰۱۳). برمن معتقد است گاهی برای یک مدلول چندین دال وجود دارد و انتخاب یکی از آنها به معنای غنازدایی کمی است (مهدی پور، ۱۳۸۹ به نقل از افضلی و داتوبر ۸۲: ۱۳۹۶).

۷. تخریب ضرباهنگ^۳

اگرچه این نوع تحریف بیشتر در شعر به چشم می‌خورد اما در نثر نیز کاربرد دارد و در نتیجه تغییر در چینش کلمات و علائم نگارشی اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب متن ترجمه شده دیگر موزون و آهنگین نخواهد بود. (ماندی، ۲۰۱۶: ۱۹۴)

۸. تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین

در متون ادبی زنجیره‌ها و شبکه‌های معنایی مستتر وجود دارد که ضرباهنگ و فرآیند دلالتی متن را شکل می‌دهد. بعضی از کلمات ممکن است در متن تکرار شوند که به معنا یا لحن احساسی

1. Qualitative impoverishment
2. Quantitative impoverishment
3. The destruction of rhythms

خاص دلالت می‌کنند. (برمن، ۲۰۱۲: ۲۴۶). مترجم ممکن است با انتخاب بعضی معادل‌ها که نشان دهنده لحن متفاوتی است، شبکه دلالتی را تخریب کند. (معاذاللهی، ۲۰۱۳: ۳۹)

۹. تخریب الگوی زبانی^۱

این تحریف زمانی رخ می‌دهد که مترجم جملات ساده و صریح متن مبدا را با جملات پیچیده و مرکب در متن مقصد جایگزین می‌کند. (معاذاللهی، ۲۰۱۳: ۴۱). این نوع تحریف در نتیجه منطقی سازی، شفاف سازی و اطناب کلام و دیگر تحریف‌ها در ترجمه اتفاق می‌افتد. (برمن، ۲۰۱۲: ۲۹۵).

۱۰. تخریب شبکه زبانهای بومی و محلی^۲

اگر در متن مبدا شخصیت اثر ادبی با لهجه‌ای خاص صحبت می‌کند و مترجم در ترجمه آن را به زبان معیار ترجمه می‌کند و این زبان بومی در متن مقصد دیده نمی‌شود این نوع تحریف رخ می‌دهد (معاذاللهی، ۲۰۱۳: ۴۲).

۱۱. تخریب اصطلاحات و عبارات^۳

بر طبق نظر برمن (۲۰۱۲: ۲۹۵)، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های متن مبدا معادل‌هایی استاندارد در متن مقصد دارند که ممکن است معنای آنها کاملاً یکسان باشد. بومی سازی یا استفاده از معادل برای ترجمه این عناصر راهکار قابل قبولی نیست زیرا باعث تخریب گفتمان متن مبدا می‌شود. هرچند از نگاه مترجمان به کار نبردن عبارات معادل در متن مقصد باعث بی‌معنایی متن ترجمه شده می‌شود. این بدان معناست که باید برای ترجمه اصطلاحات و عبارات از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرد.

۱۲. تاثیر برهم نهادگی زبانها؛

این تحریف به این معناست که در ترجمه ردپای اشکال مختلف زبانی، مثلاً لهجه‌های محلی، و ترکیب زبانها از بین می‌رود.

لازم به ذکر است که محققین این مقاله ارزیابی ترجمه را بر اساس شش مورد از این مؤلفه‌ها انجام می‌دهند زیرا بقیه موارد در گرایش‌های پیشین مدنظر قرار گرفته و نتیجه موارد قبلی است یا

1. The destruction of underlying networks of signification
2. The destruction of vernacular networks or their exoticization
3. The destruction of expressions and idioms
4. The effacement of the superimposition of languages

اینکه چندان با حیطه اثر مورد بررسی همخوانی ندارد؛ در ترجمه متن مذکور در زبان انگلیسی کارایی ندارند و فراوانی آن‌ها بسیار اندک و با تقریباً صفر است. علاوه بر این، به دلیل وجود تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی در عربی و انگلیسی، در تحقیق حاضر برای برخی مؤلفه‌ها از عبارات اجباری یا اختیاری استفاده شده است. به عنوان مثال در زبان عربی حذف غالباً با دلایل بلاغی صورت می‌گیرد و در علم معانی نیز حذف مورد بحث قرار گرفته است. در نهج البلاغه نیز از حذف در بسیاری از کنایات استفاده شده است یعنی برخی از مفاهیم به صورت ضمنی و غیرصریح بیان گردیده اند اما مترجمان غالباً عبارات حذف شده را به صورت آشکار ترجمه می‌کنند و معنای غیرصریح را تصریح می‌نمایند بدین ترتیب، شفاف‌سازی اتفاق می‌افتد. اما موارد اجباری را نباید جز تحریف به شمار آورد زیرا اجتناب ناپذیر است.

۴. تحلیل داده‌ها

در این قسمت سعی شده است با توجه به حجم مقاله مواردی از هر کدام از گرایش‌های ریخت‌شکنانه نمونه‌هایی مطرح شده و بررسی شوند. لازم به ذکر است که این نمونه‌ها از میان خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه جمع‌آوری گردیده‌اند.

باید خاطرنشان ساخت که در هر موردی که این تحریف‌ها در ترجمه مشاهده شود از نگاه برمن آن ترجمه موفق ارزیابی نخواهد شد. از آنجا که تمام گرایش‌های ریخت‌شکنانه معرفی شده از سوی برمن برای تحقیق حاضر کاربرد ندارد، صرفاً به بررسی ترجمه‌ها بر اساس پرکاربردترین گرایش‌ها / تحریف‌ها پرداخته خواهد شد. در این اثر به کارکرد شش مؤلفه می‌پردازیم. برای ترجمه نخست فقط نام مترجم اول آن ذکر شده است.

۱. فَلَوْ اِئْتَمَنْتُمْ اَحَدَكُمْ عَلٰی قَعْبٍ لَّخَشِيتُمْ اَنْ يُّذَهَبَ بِعِلَاقَتِهِ. (خطبه ۲۵)

T1: [You are so treacherous that] if I trust any one of you with a wooden bowl, I must fear that you may steal its handle. (Foroutan, 2022: 50)

T2: They are honest to their leader, and you try to deceive me on every occasion... they are managing their affairs very well, and you are not competent to carry on good administration. (Askari Ja'fari, 1999:23)

نکته: در این خطبه که امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد نافرمانی از امام حق، مطالبی می‌فرمایند، عبارت «يَذْهَبَ بِعَاقِبَتِهِ» حاوی مطلبی کنایه آمیز می‌باشد که مراد آن خیانت اهل کوفه در امانت است و به راه مبالغه در مذمت این خیانت به صورتی زیبا بیان شده است. (رستمی، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

تحریف های ترجمه نخست:

- شفاف سازی اختیاری؛ به علت اضافه کردن عبارت توضیحی در کنار ارائه ترجمه تحت اللفظی از اصطلاح موجود

مترجم اول علاوه بر ترجمه تحت اللفظی و ارائه معنای اولیه خود عبارت، توضیحی اضافه کرده *you are so treacherous* (آنچنان خائن هستید) که خود به وضوح مراد کنایه را در بر دارد و گویای این مطلب است که ربودن آویزه ظرف به چه معناست. در صورتی که واژگان معادل در انگلیسی خود بار معنایی منفی را منتقل می‌کنند (کلمه *steal* که خود به معنای دزدیدن و کلمه *fear* به معنای ترس که هر دو نگرانی و عدم اعتماد در معنای ضمنی را به همراه دارند. بنابر این نیازی به تصریح کلام نیست).

- تخریب اصطلاحات و عبارات اختیاری؛ این عبارات در متن مبدا بصورت کنایی و در قالب یک اصطلاح بیان گردیده است بنابراین وقتی معنای مستتر در متن توسط مترجم به صراحت بیان شود دیگر کشف معنای کنایی توسط خواننده متن مقصد اتفاق نخواهد افتاد و از زیبایی کلام کاسته خواهد شد.

- غنازدایی کیفی؛ از معنای ضمنی عبارات کنایی موجود رمز گشایی شده است. بنابراین آرایه ادبی موجود در متن مبدا زیبایی خود را در ترجمه از دست داده است. این نوع تحریف پیامد سایر تحریف های پیش آمده در متن می‌باشد.

تحریف های ترجمه دوم: شفاف سازی اختیاری؛ مترجم می‌نویسد: «شما در هر شرایطی تلاش بر خدعه ورزی و سرپیچی از اوامر من را دارید.» که ترجمه‌ای کاملاً تفسیری و آزاد است، و اصطلاح مورد نظر متن مبدا به صورت پیامی منتقل گردیده است. به نظر این مترجم، انتقال صحیح مراد امیرالمؤمنین علیه السلام، امری مهم تر می‌نماید.

- اطناب کلام؛ وی بسیار کلمات اضافی به متن افزوده که باعث حشو و اطناب کلام شده است و برای ابهام زدایی چندان ضروری به نظر نمی‌رسند.

- تخریب اصطلاحات و عبارات؛ توضیح آن در مورد ترجمه قبل گفته شد

- غنازدایی کیفی؛ توضیح آن در مورد ترجمه قبل گفته شد

۲. وَ مِنْهُمْ الْمُضِلُّ [بِسَيْفِهِ] لَسَيْفِهِ وَ الْمُعْلِنُ بِشَرِّهِ وَ الْمُجْلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجْلِهِ، (خطبه ۳۲)

T1: Another group are wrongdoers who openly draw their sword and cause corruption. They have gathered their infantries and cavalries (Foroutan, 2022: 61)

T2: Then there are those who have drawn their swords, have openly avowed of their evil intentions, and have gathered armies around themselves. (Askari Ja'fari, 1999:27)

به نقل از ابن میثم مراد از تعبیر کنایی «الْمُضِلُّ بِسَيْفِهِ»، چیرگی و دست درازی به هرگونه اسبابی است که بتواند او را به پیروزی برساند؛ همانند انسانی که دست به شمشیر می‌زند تا بتواند حتی با ایجاد رعب و وحشت به مقصد خود دست یابد. مراد از «الْمُعْلِنُ بِشَرِّهِ» نیز که به معنی علنی و آشکار کردن بدی است همان انتشار و اشاعه ظلم و فحشاست. «الْمُجْلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجْلِهِ» در ظاهر یعنی جمع آورنده سواره و پیاده نظام می‌باشد که مراد از این کنایه جمع آوری و اعداد اسباب ظلم و فساد می‌باشد که به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام تمام این امور به هدف دست یابی به مال و مقام مرتبت دنیایی است. (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۶۶)

تحریف ترجمه نخست: غنازدایی کمی؛ در اولین تعبیر، یعنی «الْمُضِلُّ بِسَيْفِهِ»، مترجم اول، ظاهر کنایه را رها نکرده و همان را انتقال می‌دهد. (openly draw their sword) بلافاصله بعد از آن به ایجاد فساد اشاره می‌کند که می‌توان گفت در ترجمه این فراز از خود فراز بعدی که تفسیر آن است استفاده کرده؛ یعنی برای نشان دادن معنی «الْمُضِلُّ بِسَيْفِهِ» همان توضیح «الْمُعْلِنُ بِشَرِّهِ» را استفاده کرده و ظاهر کردن شر و فسادش را برای توضیح کسی که شمشیر کشیده کافی می‌داند؛ هرچند به نظر، کشیدن شمشیر در زمین، غیر از انجام علنی یک فساد، به گفته ابن میثم، استفاده از تمامی امکانات برای رسیدن به اهداف شوم نیز می‌باشد ولی ترجمه دقیق این قسمت در ترجمه دیده نمی‌شود. در عبارت «الْمُجْلِبُ بِخَيْلِهِ وَ رَجْلِهِ» نیز، استفاده از سواره نظام و پیاده نظام را در ترجمه ارائه داده که بهترین مصداق برای آمادگی برای راه انداختن ظلمی فراگیر می‌باشد.

- غنازدایی کیفی؛ در متن مبدا کلمات به کار رفته در یک ساختار موازی استفاده شده و مسجع

هستند. تکرار برخی از آواها نیز به چشم می‌خورد مانند /ل/ که ناگزیر مترجم از این ساختار در متن

مقصد به دلیل سیستم زبانی خاص هر زبان نتوانسته پیروی کند. کلام آهنگین و موزون متن مبدا به نثری ساده تبدیل شده است. غنازدایی کیفی پیامد سایر تحریف های پیش آمده در متن است و به تنهایی نمی توان آن را بررسی کرد.

پیشنهاد می شود که مترجم از کلماتی استفاده کند که آوا، املا یا تلفظی مشابه داشته باشند و از این طریق تا حدی غنای متن مبدا حفظ شود. مثلا استفاده از دو کلمه draw و sword به دلیل داشتن حروف مشترک بر زیبایی این بخش از ترجمه افزوده است. توجه به حروف خشن و نرم متن مبدا نیز خود در انتقال معنا موثر است. با توجه به این که نمی شود دقیقا در متن مقصد همان حروف را در معادل های بکار رفته جستجو کرد می توان از راهکارهای ادبی جایگزین برای حفظ کیفیت ادبی متن استفاده کرد.

تحریف های ترجمه دوم: مترجم دوم نیز کنایه ها را به صورت تحت اللفظی ترجمه کرده است
- غنازدایی کیفی؛ توضیح آن در بالا آمده است.

- غنازدایی کمی؛ به کاهش واژگانی در ترجمه مرتبط است. مترجم برای « بِحَيْلِهِ وَرَجَلِهِ » که معادل سواره و پیاده نظام می باشد تنها یک واژه «armies» به کار برده است.

۳. قَدْ طَوَّحَتْ بِكُمْ الدَّارُ (خطبه ۳۶)

T1: This temporary life directed you to death (Foroutan, 2022: 69)

T2: You are maddened with the lust of false grandeur of a sinful life. (Askari Ja'fari, 1999: 31)

ابن میثم می گوید که «الدَّارُ» کنایه از دنیا است که طلب مال و مقام آن سبب گمراهی و هلاکت مردمان و به خصوص خوارج نهروان شده است. به گفته او حب جاه و مال که همه از دنیاپرستی سرچشمه می گیرد زمینه ای برای دوری از رحمت خداوند می باشد. (ابن میثم: ۱۳۶۲: ۹۱)
تحریف های ترجمه نخست:

- اطناب کلام؛ «الدار» در لفظ به معنای خانه است. مترجم «الدَّارُ» را به معنی ، زندگی موقت،

(temporary life) بکار برده است. می توان گفت در این ترکیب وصفی، توضیحی مختصر برای

کلمه «الدَّارُ» ارائه داده که در متن مبدا نیست. می توانست از کلمه life به تنهایی استفاده کند.

- غنازدایی کیفی؛ بازکردن مؤلفه های معنایی عبارات کنایی زیبایی کلام امام را برهم می زند و

خواننده را از کشف معنای ضمنی بی نیاز می کند. بنابراین این نوع تحریف خود نتیجه اطناب کلام

است. در آثار ادبی غالباً استفاده از یک کلمه بطور موجز بیانگر مفاهیمی است که در قالب یک جمله یا بیشتر در متون دیگر یافت می‌شوند. بنابراین وفاداری به عناصر متن مبدا تا حد امکان از نظر برمن ضروری است.

تحریف‌های ترجمه دوم:

مترجم از واژه «الدَّارُ» تعبیر به «افسون دروغین زندگی پر از خطا» می‌کند. زندگی موقت، افسون دروغین زندگی پر خطا، هر دو عباراتی هستند که تا خواننده با آنها روبرو می‌شود متوجه مذمت دلشیفگی‌های دنیا می‌شود.

- اطناب کلام؛ یک کلمه از متن مبدا با عبارتی توصیفی در متن مقصد جایگزین شده است که حشو است.

- غنازدایی کیفی؛ توضیحات در قسمت قبل ارائه داده شده است.

- آراسته‌سازی؛ واژه «خانه یا دنیا» با عبارتی بسیار زیباتر از متن مبدا به متن مقصد منتقل شده است. متن مقصد از لحاظ انتقال مفاهیم ضمنی از متن مبدا پیشی گرفته است. این نوع تحریف نیز با انتخاب واژگان از سوی مترجم و به صورت اختیاری انجام می‌شود و ضرورتی از سوی متن مبدا احساس نمی‌شود.

۴. أَضْرَعِ اللَّهُ خُدُودَكُمْ وَأَتَعَسَ جُدُودَكُمْ (خطبه ۶۹)

T1: May God bring you disgrace and reduce your share [of blessings in the life]. (Foroutan, 2022: 100)

T2: May you be disgraced by God. (Askari Ja'fari, 1999: 43)

در عبارت «أَضْرَعِ اللَّهُ خُدُودَكُمْ» (خوار کردن چهره‌ها)، کنایه‌ای از ذلت و خواری و ناتوانایی نفس وجود دارد که خواری چهره در انتها سبب خواری نفس خواهد شد که به قولی برای مذمت اصحاب سست عنصر بیان شده است. همچنین عبارت «أَتَعَسَ جُدُودَكُمْ» که به معنی نابودی تلاش‌ها و نصیب‌ها، می‌باشد کنایه از ضرر و زیان و بی‌نصیبی انسان می‌باشد. (رستمی، ۱۳۷۳: ۱۶۲).

در منهای البراعه خوبی نیز به صورت مستقیم به کنایی بودن مطلب اشاره شده است و می‌گوید که «أَضْرَعِ اللَّهُ خُدُودَكُمْ» کنایه از ذلت نفس و بیچارگی است و «أَتَعَسَ جُدُودَكُمْ» کنایه از خسارت و ناامیدی است (هاشمی خوبی، ۱۳۵۸: ۱۲۴).

تحریف های ترجمه نخست:

شفاف سازی؛ مترجم برای عبارت «أَضْرَعُ اللَّهُ خُدُودَكُمْ» همان معنای بی آبرویی و خواری را برگزیده و برای «أَتَّعَسَ جُدُودَكُمْ» نیز معنای بی بهره ماندن از نعمت های زندگی را بیان کرده است. و در میان پرانتز کلماتی افزوده است که معنا به صراحت بیان شود.

- اطناب کلام؛ توضیحاتی که در پایان عبارات داخل پرانتز ذکر شده هیچ تاثیری در معنای متن نخواهد داشت.

غنازدایی کیفی؛ این نوع تحریف پیامد تحریف های دیگر است. استفاده از دو کلمه «خود» و «جدود» که در متن مبدا جناس هستند باعث زیبایی و آهنگین شدن کلام می شود. بنابراین ترجمه ساده آن در متن مقصد باعث حذف این آرایه ادبی در ترجمه شده است. اگر چه حفظ این صنعت ادبی در متن مقصد دشوار و یا ناممکن به نظر می رسد ولی مترجم می تواند با راهکاری دیگر این کاهش کیفی متن را جبران کند؛ به عنوان مثال می توانست از واژگان هم آوا و یا تکرار اصوات استفاده نماید. این نوع غنازدایی برای قسمت اول کنایات هم اتفاق افتاده است؛ اضرع / اتعس. به عنوان مثال می توان ترجمه ای اینگونه ارائه داد که تا حدی غنای متن را حفظ کند: May God disgrace

your faces and reduce your rates

تحریف های ترجمه دوم:

غنازدایی کمی؛ مترجم دوم در ترجمه هر دو فراز یک جمله ارائه داده و تنها به بی آبرویی و خواری اشاره کرده است. گویی نتیجه خواری روی و بی بهره ماندن را هر دو خواری و بی آبرویی معرفی می کند. ایشان قسمتی از کلام را حذف کرده است.

غنازدایی کیفی؛ در نتیجه غنازدایی کمی صنایع ادبی موجود نیز در ترجمه از بین می روند (همانطور که در قسمت قبل توضیح داده شد)

ه. وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا، (خطبه ۱۶۰)

T1: The Messenger of God (s) took a bite of the world with the corner of his mouth (consumed little from the world and was indifferent to it). (Foroutan, 2022: 265)

T2: And never thought of obtaining any comfort or ease in life even temporarily. (Askari Ja'fari, 1999: 123)

خوبی در منهاج البراعه تصریح می‌کند که این عبارت کنایه از عدم توجه به دنیا است.
(خوبی، ۱۳۸۶: ۳۷۳)

تحریف ترجمه نخست؛ تخریب اصطلاحات و عبارات

مترجم اول، عبارت موجود در متن را با عبارت دیگری در متن مقصد معادل یابی نموده و از ترجمه تحت اللفظی فاصله گرفته است. عبارت «گوشه چشم نینداختن به دنیا» را با عبارتی ادبی (took a bite of the world with the corner of his mouth) جایگزین می‌کند. «با گوشه دهانش از دنیا لقمه‌ای بر می‌داشت،» به معنای بی‌اعتنایی به دنیا و کم‌اهمیتی آن نزد رسول خدا ﷺ می‌باشد. گاز گرفتن از چیزی با گوشه دهان در زبان انگلیسی به معنای تکه کردن و کم کردن از شیء مورد نظر می‌باشد. مترجم می‌بایست، طبق نظر برمن، متن مبدا را وفادارانه منتقل می‌کرد. ایشان در یک پاورقی این عبارت را تفسیر کرده و می‌نویسد که این عبارت به معنی «کم بهره بردن از دنیا و بی‌توجهی به آن است»، توضیح ذکر شده ابهام احتمالی را برطرف می‌کرد.

تحریف ترجمه دوم: غنازدایی کیفی و شفاف سازی اختیاری

مترجم از یک عبارت در متن مبدا ترجمه‌ای مفهومی و صریح در متن مقصد ارائه داده است و اصطلاح موجود را به صورت وفادارانه و با زبان مجاز منتقل نکرده است. وی از همان ابتدا خواننده را با ترجمه‌ای تفسیری روبرو می‌کند و معنای کنایه را در اختیار خواننده قرار می‌دهد و شفاف سازی می‌کند و می‌گوید که پیامبر ﷺ هیچ‌گاه در فکر به دست آوردن آسودگی و راحتی دنیا حتی از نوع موقتی اش نبوده است. در نتیجه شفاف سازی کلام پوشیده و موجز بسط می‌یابد و از غنای کیفی متن می‌کاهد.

۶. وَ لَوْ كَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَأُتْرَافُوا وَعِزَّةٍ لَأُتْضَمُّوا وَمُلْكٍ لَتُمدَّ نَحْوُهُ أَعْنَاقُ الرِّجَالِ وَ تَشَدُّ

إِلَيْهِ عُقْدُ الرِّجَالِ، (خطبه ۱۹۲)

T1: if the Prophets had been powerful, no one could have fought against them, or if they had had wealth, they would not have suffered or if they had kingship, people would have gathered around them and turned them from all side in order to see their grandeur. (Foroutan, 2022: 329)

T2: T3: Had the prophets been endowed with such strength, power and might that none could dare ill-treat and harm them or try to suppress them, had they been emperors of such mighty empires that their sway and influence would have brought people down to their knees before them (Askari Ja'fari, 1999:164)

در این فراز از خطبه که به خطبه قاصعه معروف است، امیرالمؤمنین در پی بیان تواضع و ساده زیستی پیامبران می‌باشد. عبارت «تَمَدُّ نَحْوَهُ أَغْنَأُ الرِّجَالَ وَ تَشَدُّ إِلَيْهِ عُقْدُ الرِّجَالِ» کنایه از قدرت و عظمت ملک پیامبران است. (رستمی، ۱۳۷۳: ۱۲۸)

ابن میثم در ترجمه خود بیان می‌دارد که این عبارات کنایه از قدرت و سلطنتی است که اگر پیامبران به آن دست می‌یافتند همه بی‌چون و چرا تسلیمشان می‌شدند. (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۴۶۴-۴۷۳)

تحریف های ترجمه نخست

- تخریب اصطلاحات و عبارات متن مبدأ؛ در این فراز مترجم اول، در جای «تَمَدُّ نَحْوَهُ أَغْنَأُ الرِّجَالَ وَ تَشَدُّ إِلَيْهِ عُقْدُ الرِّجَالِ»، عبارتی تفسیری می‌نویسد مبنی بر اینکه تمام مردم حول آنها جمع می‌شدند. به این صورت ایشان ترجمه‌ای تفسیری بر این جمله ارائه می‌دهد. باید توجه داشت که در ابتدای این فراز، عبارات «أَهْلُ قُوَّةٍ لَا تُرَامُ وَ عِزَّةٍ لَا تُضَامُ» توسط حضرت بیان شده است که معنای تحت اللفظی و لغوی آن، خود پرده از معنایی از کنایه که مد نظر ابن میثم و ابن ابی الحدید می‌باشد، بر می‌دارد. ناگفته نماند که مترجم اول این عبارت را کنایه از جمع آمدن و تسلیم شدن انسان‌ها در برابر پیامبران می‌داند. مترجم این نوع تحریف را می‌توانست با ترجمه تحت اللفظی اصلاح کند.

- غنازدایی کیفی؛ از بین رفتن سجع و ضرب آهنگ متن مبدأ بخاطر استفاده از حروف خاص و تکرار آن‌ها و از بین رفتن زیبایی لفظی به واسطه راهکار ترجمه پیامی. این نوع تحریف پیامد تحریف قبلی است.

تحریف های ترجمه دوم

- آراسته سازی؛ متن مقصد، مترجم این عبارت کنایی را با اصطلاحی زیبا به زبان انگلیسی منتقل می‌کند و بدون آوردن اصل کلام حضرت، معنا را به نویسنده می‌رساند. او می‌گوید: «اگر آنها امپراطور امپراطوری قدرتمند خویش نبودند» - برای قسمت اول کنایه- و «در این صورت مردمان مجبور می‌شدند در برابر پیامبران زانو بزنند.» - برای قسمت دوم کنایه- بدین صورت ایشان ترجمه‌ای با آراستگی بیشتر از زبان مبدأ ارائه داده‌اند.

- اطناب کلام؛ مترجم از توضیحات اضافی در ترجمه بهره برده که عدم استفاده از آنها به فهم معنا هیچ آسیبی نخواهد رساند، از سویی کنایه با ترجمه بقیه قسمت‌ها آشکار می‌شود و اساسا نیازی به بسط کلام دیده نمی‌شود.

۷. الْمَوْتُ مَعْقُودٌ بِنَوَاصِيكُمُ (نامه ۲۷)

T1: Your forehead has been marked with the signs of death.
(Foroutan, 2022: 441)

T2: Death is with you as if it has been twisted and tide round your head in between your hairs (Askari Ja'fari, 1999: 220)

ابن میثم در شرح نهج البلاغه اش می‌نویسد که پیوستگی مرگ با انسان اشاره به حتمی بودن مرگ برای هر موجودی است و این امری حتمی و حکم و قضای الهی است. (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۴۲۵)

عبارت «الْمَوْتُ مَعْقُودٌ بِنَوَاصِيكُمُ» کنایتی است از عدم رهایی از مرگ که به غرض مبالغه از لفظ چسبیده بودن مرگ به پیشانی ... استفاده شده است. (رستمی، ۱۳۷۳: ۱۶۴)

تحریف های ترجمه نخست:

- اطناب کلام؛ ترجمه نخست در کل تحت اللفظی است ولی مترجم در قسمت آخر متن واژه sign را به متن اضافه کرده که نیازی به این کلمه دیده نمی‌شود و استفاده از کلمه death به تنهایی معنا را منتقل می‌کند. کنایه بسیار روشن و صریح است و نیازی به ابهام زدایی نیست.

- تخریب اصطلاحات و عبارات متن مبدا؛ «چسبیده شدن مرگ به پیشانی» باید تحت اللفظی و بدون هیچ واژه اضافی منتقل می‌شد. این نوع تحریف نتیجه اطناب کلام است.

تحریف های ترجمه دوم:

- اطناب کلام؛ مترجم در کنار ترجمه‌ای ساده که از این عبارت ارائه داده، همین مفهوم را به شکل دیگری بیان می‌کند که حشو است.

- تخریب اصطلاحات و عبارات متن مبدا؛ چسبیده شدن مرگ به پیشانی باید تحت اللفظی و بدون هیچ واژه اضافی منتقل می‌شد، این عبارت به خودی خود در متن مقصد بدون ابهام است. مترجم زبان مجاز را به زبان غیر ادبی ترجمه کرده است.

- آراسته سازی؛ وی در قسمت آخر این جمله اشاره به این مطلب کرده که مرگ همواره با توست و لفظ کنایه را در قالب زیبایی بیان می کند: «مرگ همواره با توست آنگونه که گویی مرگ را در بین موهای پیشانی ات گره زده باشند.» در واقع مترجم تصویر جدیدی از این مفهوم ارائه می دهد.

۸. فَأَلْصَقُوا بِالْأَرْضِ خُدُودَهُمْ وَعَفَّرُوا فِي التُّرَابِ وُجُوهَهُمْ (خطبه ۱۹۲)

T1: as they put their cheek on the ground to worship Him and put their face on the earth

(Foroutan, 2022: 237)

T2: They were humble before their Lord, they were courteous, considerate (Askari Ja'fari, 1999: 163)

چسباندن گونه بر زمین و مالیدن گونه ها بر خاک، کنایه از فرمانبری امر الهی مبنی بر تواضع، از طرف پیامبران می باشد که به قصد مبالغه، در این قالب، از زبان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بیان شده است. (رستمی، ۱۳۷۳: ۲۱۴)

در شرح نهج البلاغه ابن میثم برای این عبارت آیه «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (سوره حجر، آیه ۸۸) را به عنوان شاهد مثالی از قرآن آورده است و بعد می گوید که خفض الجناح کنایه از نرم خوئی و تواضع است. (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۲۷۱)

تحریر ترجمه نخست:

- شفاف سازی اختیاری؛ مترجم با اضافه کردن عبارت to worship Him معنای کنایه را که عبادت خداوند و فرمانبرداری از اوست با زبانی رسا تصریح کرده است. قبل از ذکر این کنایه از واژه تواضع استفاده شده که معنای عبارت کنایی را تصریح می گرداند؛ وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ كَرَّةً إِلَيْهِمُ التَّكَابُرَ وَ رَضِيَ لَهُمُ التَّوَّاضِعَ، فَأَلْصَقُوا بِالْأَرْضِ خُدُودَهُمْ وَعَفَّرُوا فِي التُّرَابِ وُجُوهَهُمْ.

تحریر ترجمه دوم:

- شفاف سازی اختیاری؛ که در ترجمه نخست بررسی شد.

- غنازدایی کیفی؛ تصویری که از عبادت و خشوع در برابر خداوند و تواضع با این عبارات در متن مبدا وجود داشت توسط مترجم حذف شده و صرفاً مفهوم منتقل گردیده است. در ترجمه خبری از سجع و ساختارهای زیبا و آهنگین متن مبدا دیده نمی شود.

۵. بحث و بررسی داده‌ها:

در پاسخ به سوال نخست باید گفت که ترجمه فروتن و مرعشی (۲۰۲۲) در مقایسه با عسکری جعفری (۱۹۹۹) بیشتر مبدا-محور بوده یعنی سعی شده است از ترجمه تحت اللفظی بیشتر از روش‌های دیگر برای انتقال کنایات استفاده کنند البته در مواردی هم مشاهده می‌شود که در کنار ترجمه تحت اللفظی به زعم خویش برای روشن شدن کنایه مطالبی افزوده اند. این دو مترجم توانسته‌اند در عین امانت داری نسبت به الفاظ استفاده شده در متن اصلی و ارائه ترجمه‌ای که تا حد امکان زیبایی‌های ادبی را نیز نمایان می‌کند، با استفاده از عباراتی مناسب در زبان مقصد، مخاطب را از پیام امام آگاه سازند، به نحوی که ساختمان جمله مورد نظر را بر هم نزنند و تغییر ندهند. ایشان گاه سعی می‌کنند با استفاده از پاورقی ترجمه خود را از توضیحات بیشتر در متن اصلی بی‌نیاز کنند و با افزودن عناصر واژگانی جمله را بسط ندهند.

عسکری جعفری بیشترین گرایش را به توضیحات تفسیری دارد. ایشان تمایل زیادی به ارائه توضیحات در پاورقی ندارد و به جای آن جملات را بیشتر داخل متن و گاهی داخل پرانتز تفسیر می‌کند. گاهی آنقدر متمایل به توضیح و تفسیر مطلب می‌شود که هیچ اشاره‌ای به متن اصلی نمی‌کند (گاهی این تفسیر طولانی‌تر از متن مبدا می‌شود و گاهی کوتاه‌تر). وی در اکثر موارد مخاطب محور عمل می‌کند و بر این باور است که انتقال معنا و مفاهیم بر صورت اولویت دارد بنابراین دیدگاه مقصدمحور دارد.

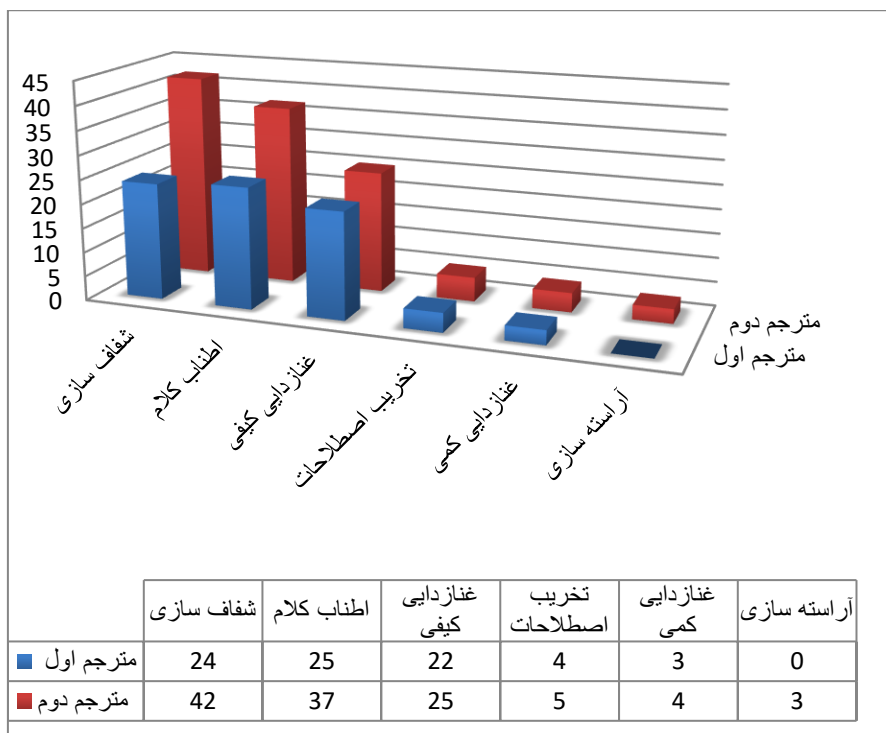
با توجه به مدل نقد ترجمه برمن، ترجمه‌ای مورد قبول است که مبدا محور بوده و تلاش بر این باشد که گرایش‌های ریخت‌شکنانه کمتر در ترجمه اتفاق بیفتد. بدین ترتیب ترجمه بهروز فروتن و مرعشی در مقایسه با ترجمه عسکری جعفری موفق‌تر ارزیابی می‌شود. این نکته قابل توجه است که کنایات یافت شده در متن مبدا آن‌چنان مبهم و غیرقابل فهم نبودند که مترجم مجبور باشد از ترجمه تحت اللفظی فاصله بگیرد و به صورت تفسیری ترجمه نماید. مضافاً اینکه برای ترجمه نهج البلاغه چنان که پیش از این گفته شد باید سعی شود در حد امکان صنایع ادبی مخدوش نشوند و به نحوی در ترجمه منعکس گردند، حتی در مواردی که به دلیل تفاوت ساختار و نظام زبانی و آوایی و ... دو زبان امکان انتقال زیبایی لفظی در کنار معنا وجود ندارد مترجم باید از راهکارهای دیگر استفاده کرده و ترجمه‌ای ادبی خلق کند تا عناصر زیباشناسی متن مبدا باقی بمانند.

در پاسخ به پرسش دوم؛ فراوانی شش گرایش ریخت شکنانه در بیش از ۸۰ کنایه در نهج البلاغه به شرح زیر است:

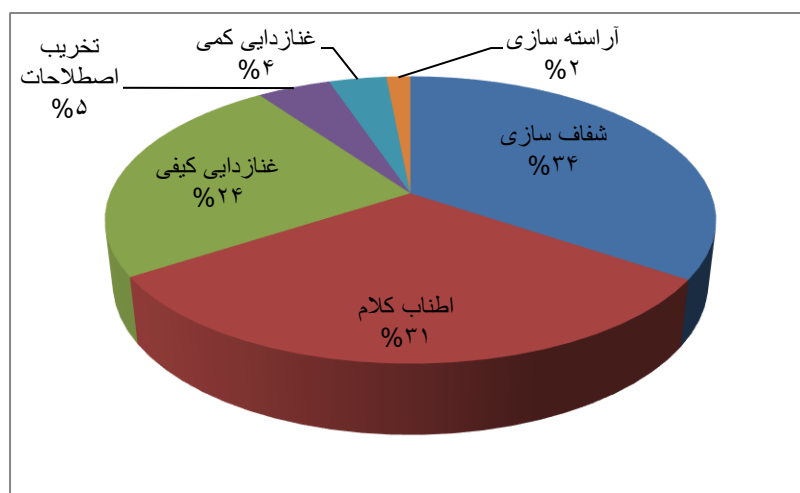
بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به شفاف سازی، اطناب کلام، غنازدایی کیفی، تخریب عبارات و اصطلاحات متن مبدا، غنازدایی کمی و آراسته سازی است. لازم به ذکر است که دیگر گرایش‌های ریخت شکنانه در این پژوهش لحاظ نشدند. منطقی سازی در ترجمه از عربی به انگلیسی اجتناب ناپذیر است زیرا ساختار نحوی دو زبان کاملا متفاوت است و به همین دلیل علائم نگارشی متن ترجمه شده نیز با متن مبدا مطابقت نخواهد داشت. ناگفته نماند که منطقی سازی و اطناب کلام و شفاف سازی منجر به گرایش‌های ریخت شکنانه دیگر خواهند شد که عبارتند از؛ تخریب ضرباهنگ، تخریب شبکه‌های دلالتی زیرین، و تخریب الگوی زبانی، بنابراین این موارد نیز در شمارش تحریف‌ها لحاظ نشدند. بعضی مؤلفه‌های دیگر مانند تخریب شبکه‌های بومی و محلی و برهم نهادگی زبانها در پژوهش حذف شدند زیرا برهم نهادگی زبانها و شبکه زبان بومی در متن مبدا وجود ندارد.

بنابراین با بررسی داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که آن دسته از گرایش‌های ریخت شکنانه را می‌توان منفی در نظر گرفت و به عبارتی تحریف متن مبدا قلمداد کرد که اختیاری هستند و مترجم می‌تواند بدون دستکاری و بدون نیاز به تغییر متن مبدا ترجمه‌ای منطبق بر آن ارائه دهد. با توجه به این نکته تقریباً تمام منطقی سازی‌های انجام شده برای ترجمه کنایات اجباری است و تحریف به شمار نمی‌رود. بالتبع تخریب الگوی زبانی و شبکه‌های دلالتی زیرین و تخریب ضرباهنگ نیز که پیامد منطقی سازی به شمار می‌روند اجباری بوده و سیستم زبان مقصد اقتضا می‌کند.

سایر مؤلفه‌هایی که در قسمت قبل تحلیل شدند از جمله شفاف سازی، اطناب کلام و غنازدایی کمی با انتخاب مترجم رقم خورده و برای ترجمه کنایات در این اثر چندان ضرورتی برای آنها احساس نمی‌شود. ، غنازدایی کیفی نتیجه تحریف تمام مؤلفه‌های پیشین برآورد می‌شود.



شکل ۱. فراوانی گرایش‌های ریخت شکنانه در هر ترجمه



شکل ۲: درصد فراوانی گرایش‌های ریخت شکنانه در هر دو ترجمه

۶. نتیجه گیری:

نظریه برمن قابلیت بسیاری برای تطبیق با ترجمه بین زبانهای گوناگون را دارد و می‌توان با استفاده از آن عملکرد مترجمان را ارزیابی کرد و نقاط قوت و ضعف آنها را مورد بررسی قرار داد. برمن به زبان مبدا توجه زیادی دارد و با استفاده از مدل نقد وی، وفاداری مترجمان به متن اصلی قابل مشاهده است. مترجم باید به مراتب به متن اصلی وفادار باشد، به ویژه در مورد متون دینی و ادبی، تا انتقال صحیح لفظ و معنا انجام شود.

همانطور که در این تحقیق دیده شد هر یک از این مؤلفه‌های ریخت شکنانه ممکن است به صورت اجباری و یا اختیاری در ترجمه رخ بدهد. موارد اجباری تحت تاثیر تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی زبان مبدا و مقصد- در اینجا زبان عربی و انگلیسی- واقع می‌شوند و نمی‌توان نام تغییر یا تحریف را بر آنها نهاد ولی در صورتی که در ترجمه چنین ضرورتی دیده نشود شاهد تحریف متن مبدا و گرایش‌های منفی هستیم. می‌توان گفت افرادی می‌توانند چنین متون سرشار از صنایع لفظی و معنوی را ترجمه کنند که دانش کافی در تمام ابعاد زبان داشته باشند و علاوه بر درک مفاهیم متن بتوانند زبان مجاز را نیز در متن مقصد به نحوی خلاقانه بازتاب دهند و از بعد زیباشناسی متن نگاهند.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۳۳۷ ق، شرح نهج البلاغه (ج ۶، نوبت اول)، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن میثم بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، ۱۳۶۲ ش، شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب.
۳. رستمی، غلامرضا، ۱۳۷۳ ش، بررسی کنایه در نهج البلاغه، به کوشش: محمد خاقانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۴. صفوی، کوروش، ۱۳۸۷ ش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۵. معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۲ ش، تاریخ قرآن، چاپ پنجم، تهران: سمت.
۶. هاشمی خوئی، حبیب الله، ۱۳۵۸ ش، منهج البراعه شرح نهج البلاغه، بیروت: علی عاشور.

مقالات

۷. افضلی، علی، و داتوبر، مرضیه، ۱۳۹۶ ش، ارزیابی کیفی ترجمه عربی هفت پیکر نظامی بر اساس نظریه آنتوان برمن: مطالعه موردی کتاب العرائس السبع اثر عبدالعزیز بقوش، مطالعات ترجمه، ۱۵ (۵۸)، ۷۱-۸۶.
۸. امرائی، محمدحسن، ۱۳۹۷ ش، واکاوی تحلیلی روش‌شناسی تعابیر کنایی در فرآیند ترجمه حداد عادل، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۲ (۲۳)، ۲۶۹-۲۹۲.
۹. دلشاد، شهرام، مسبوق، سیدمهدی، و همکاران، ۱۳۹۴ ش، نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۲ (۴)، ۹۹-۱۲۰.
۱۰. فرهادی، محمد، میرزایی الحسینی، سیدمحمود، و همکاران، ۱۳۹۶ ش، نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷ (۱۷)، ۳۱-۵۳.
۱۱. کاکاوندی، گودرز، معصومی، محمدحسن و همکاران، ۱۴۰۱ ش، نقد و بررسی ترجمه قرآن طاهره صفارزاده و حسین انصاریان بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن (مطالعه موردی: پژوهانه در سوره بقره)، مطالعات قرآنی، ۱۳ (۴۹)، ۱۷۶-۱۹۷.

۱۲. نیازی، شهریار، و هاشمی، انسیه السادات، ۱۳۹۸ش، بررسی چگونگی کارآمدی مؤلفه «شفاف‌سازی» الگوی برمن در ارزیابی ترجمه قرآن: موردپژوهی ترجمه رضایی اصفهانی. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴(۵۲)، ۱۶۱-۱۹۳.

13. Askari Ja'fari, S. M. (1965). *Nahjul Balagha of Hazrat Ali*. Qom : Ansariyan Publication.
14. Berman, A. (2012). *The translation studies reader* (3rd ed.). L. Venuti (Ed.). London : Routledge.
15. Foroutan, B., & Marashi, S. H. (2022). *Nahj al-Balagha: A new English translation*. Beirut : Dar Ehya Turath Arabi Publication.
16. Hatim, B., & Mason, I. (1990). *Discourse and the translator*. London : Longman.
17. Hewson, L. (2011). *An approach to translation criticism: Emma and Madame Bovary in translation*. Amsterdam : John Benjamins.
18. House, J. (2015). *Translation quality assessment: Past and present*. London & New York : Routledge.
19. Ma'azallahi, P., & Saeedi, M. (2013). *A textbook of literary translation*. Rafsanjan : Rafsanjan University Press.
20. Mousavi Razavi, M. S., & Tahmasbi Boveiri, S. (2019). A meta-analytical critique of Antoine Berman's relation hypothesis. *Translation Studies*, 17(65), 21-36.
21. Munday, J. (2016). *Introducing translation studies: Theories and applications* (4th ed.). London & New York : Routledge.